

# مارکس و زمین شناسی



## مارکس و زمین شناسی

جلد جدید مجموعه آثار مارکس و انگلس منتشر شد - آنچه مارکس نزد زمین شناسان جستجو می کرد.

این متون ۱۳۴ سال در آرشیو بودند؛ ابتدا نزد فردریش انگلس، پس از آن به مدت طولانی نزد سوسیال دموکرات های آلمان در برلین. در سال ۱۹۲۵ ریازانف برای اولین بار به اهمیت آنها اشاره کرد. ۱۹۳۳ از افتادن به چنگ نازی ها نجات پیدا کرده به کپنهاگ، آمستردام، لندن منتقل شدند. از زمان پایان جنگ (جهانی دوم) آنها در آمستردام نگه داری می شدند. ویرایش این متون سال ۱۹۸۰ در رابطه با انتشار مجموعه آثار مارکس و انگلس آغاز شد، ۱۹۸۹ متوقف گردید، اما در سال ۲۰۰۳ دوباره از سر گرفته شد. اکنون بلاخره به صورت یک جلد از مجموعه آثار در دسترس هستند. حال نکته مهم "فقط" اینست که معنا و جایگاه آن در مجموعه آثار درک شوند.

برای فهم رایج قرن بیستمی از مارکس، این فکر غریب جلوه می کند که نویسنده "مانیفست کمونیست" و جلد اول "سرمایه" ماه ها بطور فشرده به مطالعه زمین شناسی پرداخته و یاد داشت برداری هائی کرده باشد که اکنون چاپ شده آنها، همراه با تعداد فراوانی طرح های پیچیده، جدول های شیمیائی و آمارهای وسیع، ۶۷۹ صفحه را در بر می گیرند. یادداشت هائی بندرت دارای اظهار نظرهای شخصی.

چرا مارکس به جای کامل کردن جلد دوم و سوم "سرمایه" به این کار می پردازد؟ آیا در شصت سالگی دیگر توان پرداختن به کار جدی تئوریک نداشت؟ می خواست خود را با موضوعات دیگری مشغول کند؟ آیا از پرداختن به اقتصاد سیاسی دلزده شده بود؟ طرح اینگونه پرسش ها، به معنای عدم شناخت از مارکس است. چرا که از طرفی همواره شرایط طبیعی کار مطرح هستند، از طرف دیگر مسائل زمین شناسی و شیمی زراعی با موضوع بهره برداری از زمین در ارتباط بوده و از این زاویه به ادامه کار بر روی جلد سوم "سرمایه" مرتبط می شدند.

اما در درجه اول مارکس متفکری همه جانبه بود که مانند ارسطو، لایبنیتس، کانت، هگل- درک کلی از طبیعت را دنبال می کرد. او قبلا در سال ۱۸۴۴ مشخص کرده بود که: "علوم طبیعی مسبب فعالیت های فوق العاده بوده و همواره اسناد زیادی را به خود اختصاص داده اند. اما فلسفه برای آنها همانگونه بیگانه مانده است، که آنها برای فلسفه بیگانه اند." و از "تاریخ نگاری" بخاطر اینکه "علوم طبیعی را تنها بطور ضمنی مورد توجه قرار داده" انتقاد کرد (مجموعه آثار ۱/۲، ص ۲۷۱). اظهار نظر کاملا مشابهی در "ایدئولوژی آلمانی" (مجموعه آثار، جلد سوم، ص ۲۱) وجود دارد. این در تطابق کامل با روح گوته بود که آلکساندر فون همبولت در باره اش نوشت، او می خواست، "پیوندی را تازه کند که در جوان سالی بشریت فلسفه، فیزیک و شعر را در برمی گرفت".

مارکس سعی می کرد از جدا کردن این مقوله ها اجتناب ورزد، او تا پایان عمر به مطالعه علوم طبیعی پرداخت، نه تنها زمین شناسی، بلکه فیزیولوژی، شیمی، ریاضیات و غیره (در حالیکه چکیده نویسی های فیزیولوژی و شیمی در جلد ۴/۲۵ مجموعه آثار موجودند، در خصوص ریاضیات اما هنوز چنین نیست، متاسفانه تنها در یک چاپ به زبان روسی و به زبان اصلی که به ندرت مورد توجه بوده، موجود است؛ مسکو ۱۹۶۸). مارکس سال ۱۸۵۱ در "دفترهای لندن" به آثار شیمیست های زراعی، جونستون و لیبگ (مجموعه آثار ۴/۹) و در بخشهای منتشر نشده این دفترها به نوشته های زمین شناسی یوزف ب. یورکس می پردازد، جایی که عبارت "فرماسیونهای زمین شناسی" مطرح می شود. چکیده نویسی مشروحی از یکی از آثار متاخر این نویسنده در جلدی که اینک منتشر شده، موجود است. و با نگاهی به چکیده نویسی از اثر جونستون مربوط به سال ۱۸۵۱، با همان باز ارائه دقیق متن، همان طرح ها از لایه های زمین شناسی، روبرو هستیم، بمانند ۲۷ سال بعد از آن.

اشتغال مادام العمر با علوم طبیعی به هیچ وجه تنها در خدمت فراگیری دانش نبود، بلکه برای مارکس سر مشقی بود جهت شناخت متد علمی. آشنا ترین نمونه در این زمینه تئوری فرماسیونهای اجتماعی

(مجموعه آثار ۱/۱۱، ص ۹۷) او می باشد، که در سال ۱۸۵۲ برای اولین بار مطرح شد از نظر مفهوم مستقیما بر زمین شناسی استوار است. این نظر در "نقد اقتصاد سیاسی" دنبال شد: "همانگونه که در تسلسل فرماسیونهای زمین شناسی نمی بایستی به پریودهای ناگهانی و کاملا مجزا از یکدیگر اعتقاد داشت، در رابطه با پیدایش فرماسیونهای مختلف اقتصادی اجتماعی نیز چنین نیست" (مجموعه آثار ۲/۳۰۲، ص

۱۹۷۲). این نظر متاسفانه بعدها مورد توجه قرار نگرفت، گرچه مارکس در پیش نویس های نامه اش به ورا ساسیولیچ در سال ۱۸۸۱ بارها به مقایسه تسلسل در فرماسیونهای زمین شناسی و تاریخی باز می گردد (مجموعه آثار ۱/۲۵، ص ۲۱۹-۲۴۲).

در کل طیف مطالعات علوم طبیعی مارکس، زمین شناسی و دیرین شناسی شاید حتا نقش برتری داشتند، چرا که این علوم مدتها پیش از کشفیات داروین در ارتباط با پیدایش انواع، نشان داده بودند که چگونه آتشفشان ها، طغیان رودخانه ها و دیگر حوادث طبیعی چهره زمین را در یک پروسه طبیعی میلیون ها ساله شکل داده اند. همچنین فسیل های حیوانات و گیاهان منقرض شده نادرستی روایت انجیل را از خلق زمین و کلیه انواع حیوانات و گیاهان تنها در ۶ روز و تغییر ناپذیری آنها، نشان داده بودند.

مقدمه چاپ حاضر جزئیات جالبی از این بخش از فعالیت مارکس بدست می دهد، بطور نمونه او در دبیرستان شهر تری یر از این شانس استثنائی برخوردار بود که در رشته ریاضیات و علوم طبیعی معلمی داشته باشد که در پاریس نزد کوویه، لامارک، لاپلاس و الکساندر فون همبولت تحصیل کرده بود. متاسفانه در اینجا به کار شدید مارکس بر روی اثر داهیانه دوست کلنی اش، رولاند دانیل، تحت عنوان "میکروکسموس. پیش نویس انسان شناسی فیزیولوژیکی" پرداخته نمی شود. اما مهم اشاره به یادداشت های حاشیه کتابهای کتابخانه مارکس است، که در آنها از جمله به تغییرات جوی ناشی از عمل انسانها می پردازد.

بزرگداشت مناسب از کار عظیمی که جهت تنظیم این متن، با تهیه مقدمه، رمزگشائی، فهرست علائم تصحیحی، توضیحات و غیره، توسط آنالیزه گریس، پتر کروگر، ریشارد اشپرل و برخی دیگر، انجام گرفته، غیر ممکن است. از پرداختن به مباحث آکتوئل در رابطه با مسائلی که در چکیده نویسی ها موجودند، مدبرانه صرفنظر شده است. بطور نمونه وقتیکه مارکس می نویسد: "انقراض گونه ها ادامه دارد (بشخص خود فعالترین نابود کننده است). این پرسش که آیا از زمان وجود انسان، گونه جدیدی پدید آمده، هنوز پاسخی ندارد". طبیعی است که با توجه به وضعیت امروزی تشدید انقراض انواع و علوم مربوطه، طرح نکاتی ممکن می بود.

اما این چکیده نویسی ها نه معدنی از نقل قول ها، بلکه راهنمای روش کار دانشمندی بزرگ، همه جانبه و فوق العاده سخت کوش هستند.

کارل مارکس: چکیده نویسی ها و یادداشت هائی در زمین شناسی، معدن شناسی و شیمی زراعی. مارس تا سپتامبر ۱۸۷۸. مجموعه آثار مارک و انگلس، بخش چهارم، جلد ۲۶. منتشر شده توسط بنیاد بین المللی مارکس، انگلس آمستردام. انتشارات آکادمی برلین ۲۰۱۱. ۱۱۰۴ صفحه. ۱۶۸ یورو.

منبع:

<http://www.neues-deutschland.de/artikel/227654.das-buendnis-geist-und-natur.html?sstr=Das|Bündnis|Geist|und|Natur>

ترجمه : کامران صادقی